

گذرهای فرهنگ و هنر مشهد ایجاد می شود



محمدرضا کلایی، شهردار مشهد، امین عارف‌نیا، مدیرعامل مؤسسه کمک به توسعه فرهنگ و هنر و جعفر مروارید، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان رضوی برای ایجاد گذرهای فرهنگ و هنر در شهر مشهددر خیابان دانشگاه مشهدو فعال سازی عرصه میدان شهدا با رویکرد هنرهای دینی تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند. به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ، براین اساس شهرداری مشهد متعهد شده است تا پایان سال ۱۳۹۹ ضمن بازطراحی، آماده سازی، بهسازی ابنیه وزیباسازی گذر گلستان به واگذاری واحدهای تجاری به صاحبان کسب و کارهای فرهنگی و هنری اقدام کند. مؤسسه کمک به توسعه فرهنگ و هنر نیز متعهد شده تا با ایده پردازی، نیازسنجی، امکان‌سنجی، انجام مطالعات بازار به تهیه طرح‌های مفهومی و محتوایی و برنامه فیزیکی گذرهای فرهنگ و هنر مشهد اقدام کرده و از فعالیت‌های ناویرانه و خلاق برای کارآفرینی در این دو عرصه حمایت کند. کارگروهی مرکب از نمایندگان شهرداری مشهد، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان رضوی و مؤسسه کمک به توسعه فرهنگ و هنر نیز بر روند پیشرفت تفاهم‌نامه نظارت خواهند کرد.

رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر خبر داد استقبال از بهار ۱۴۰۰ همسو با شرایط کرونایی

رئیس کمیسیون فرهنگی واجتماعی شورای شهر مشهد اعلام کرد که با توجه به شرایط کرونایی موجود برای نحوه برگزاری جشنواره خانه بهار سال آینده، پیش‌بینی‌های لازم صورت گرفته و اقدامات خوبی هم انجام شده است. به گفته احسان اصولی محدودیت‌های پیش‌آمده ناشی از فراگیری کرونا سبب شد تا استقبال از بهار سال ۹۹ براساس پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته‌اجرای نشود، بر همین اساس، خیلی از کارهای درنظر گرفته شده لغو شدند تا سلامت شهروندان به خطر نیفتد. او خاطرنشان کرد: با توجه به شرایط کنونی، دوسناریو رویکرد باید از سوی شهرداری و سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد برای نوروز ۱۴۰۰ پیش‌بینی شود؛ سناریوی نخست، مختص شرایط عادی و معمولی است که در صورت برطرف شدن محدودیت‌های کرونایی اجرایی می‌شود و سناریو دوم نیز برنامه‌ریزی برای وضعیت‌های آبی، زرد، نارنجی و قرمز است. به گفته اصولی در بخش مربوط به فضا سازی‌های شهری، فراخوان‌ها داده شده و داوری نیز صورت گرفته‌و کارانهایی شده‌اند. رئیس کمیسیون فرهنگی واجتماعی شورای شهر مشهد یادآور شد: خوشبختانه آلمان‌های امسال نیز در ادامه ۳ سال گذشته و براساس تأکید شورای شهر مبنی بر کیفی سازی آثار، نمادهای شهری دائم خواهد بود و یادمان موقتی نخواهیم داشت. او با تأکید بر لزوم مشارکت مردم در رویدادهای این چنینی که موجب تقویت حس تعلق خاطر شهروندان به شهر می‌شود، گفت: بخشی از برنامه‌های استقبال از بهار ۱۴۰۰ در فضاهای میدانی و حضوری با مشارکت شهروندان پیش‌بینی شده که البته اجرایی شدن آن منوط به شرایط و وضعیت اعمال محدودیت‌های کرونایی در آن روزهاست. به گفته اصولی، برای تمام وضعیت‌ها و شرایط کرونایی پیش‌بینی لازم صورت گرفته و اقدامات خوبی هم انجام شده است. او همچنین خاطرنشان کرد: جشنواره خانه بهار سال آینده که با عنوان «مشهد ۱۴۰۰» شناخته می‌شود، اولین تجربه استقبال از بهار قرن جدید خواهد بود بنابراین برنامه‌های متنوع و متکثری در حوزه‌های مختلف جسمی، نمایشی، فراغتی و مشارکتی با مردم و هنرمندان دیده شده که امیدواریم بتوانیم شرایط بسیار خوبی برای شهروندان مشهدی فراهم آوریم.

اهدای بیش از ۸۰ هزار کتاب به آستان قدس

رئیس اداره خدمات فنی کتابداری سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی از اهدای ۸۰ هزار و ۲۰۰ نسخه کتاب چاپی به این سازمان از ابتدای امسال تا پایان دی ۹۹ خبر داد. به گفته عیسی اختر ی طوسی، فراگیری کرونا تأثیر منفی بر اهدای کتاب نداشته است و حتی تعداد کتب اهدایی به این مرکز نسبت به سال گذشته ۲۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. او یادآور شد: موضوعات علوم اسلامی، علوم انسانی و تاریخی بیشترین حجم این آثار اهدایی را به خود اختصاص داده است. اختر ی طوسی همچنین از ارسال بیش از ۴۰ هزار نسخه از کتاب‌های اهدایی به کتابخانه سیار آستان قدس خبر داد و گفت: این کتاب‌ها به کتابخانه سیار فرستاده شده است و تاکنون بخش عمده‌ای از آن‌ها از کتابخانه بسیار به دیگر متقاضیان از مراکز فرهنگی کشور اهدا شده است.

انتشار قطعه جدید همایون شجریان

قطعه جدید همایون شجریان با آهنگ‌سازی علی قمصری در دسترس مخاطبان قرار گرفت. قمصری و شجریان پیش از این نیز سه آلبوم «قش خیال»، «آب، نان، آواز» و «چه آتش‌ها» را در سال ۱۳۸۴، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ با همکاری هم منتشر کرده بودند. این دو در جدیدترین همکاری شان قطعه‌ای «محو تماشا» را در دسترس علاقه‌مندان نشان قرار داده‌اند. قطعه‌ای که شعرش از سروده‌های فریدون مشیری است. علی قمصری علاوه بر آهنگ‌سازی در این اثر نوازنده تار و گیتار نیز است. غلام‌رضا صادقی میکس و مستر «محو تماشا» را انجام داده است. از همایون شجریان چندی پیش قطعه «سووشون» منتشر شد که بازخوردهای متفاوتی از مخاطبان گرفت.



شهر

روزنامه شهرامیدوزندگی

اشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۹۹ ۲۲ فروردین ۱۳۹۹ شماره ۴۳۳۳

۱۴

فرهنگ و هنر

گفت‌وگو با محسن قصابیان

بازیگر نقش شهید ستاری

که با فیلم «منصور»

در جشنواره فجر درخشید

بازیگری به فریاد زدن نیست

محمد عنبرسوز

پنجمین روز از جشنواره فیلم فجر مشهد به نمایش دو فیلم اختصاص داشت که یکی از آن‌ها «منصور» ساخته سیاوش سرمدی بود. این فیلم یک اثر بیوگرافیک درباره تیمسار منصور ستاری، فرمانده نیروی هوایی ارتش، به شمار می‌رود که محسن قصابیان، هنرمند خراسانی که در چند شاخه هنری فعالیت می‌کند، نقش اصلی آن را بر عهده داشته و به خوبی از پس آن برآمده است. قصابیان در این فیلم، با اجرای متفاوت خود، شمایل آرام و باوقاری از یک قهرمان ملی ارائه کرده است. گفت‌وگویی با او داشته‌ایم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

- احتمالا این روزها بسیاری از علاقه‌مندان سینما اسم شما را در اینترنت جست‌وجو می‌کنند. محسن قصابیان از کجا شروع کرده و

چطور به این نقطه رسیده‌است؟

من متولد شهرستان قوچان هستم. هفت، هشت ساله بودم که سیل به این شهر آسیب رساند و ما به مشهد آمدم. تا زمان دریافت دیپلم در مشهد زندگی کردم و سپس برای تحصیل به تهران آمدم تا فعالیت هنری خود را، به طور جدی، شروع کنم. در دانشگاه بازیگری خواندم و به مرور تمایل به نوشتن، کارگردانی و دیگر فعالیت‌های مرتبط با هنر نمایش در من شکل گرفت. در طول این سال‌ها در چهار عرصه تلویزیون، رادیو، سینما و تئاتر کار کرده‌ام. اولین فیلمم «تولن» مربوط به سال ۱۳۷۰ است. قبل از آن هم یک فیلم سینمایی ناتمام داشتم که به سرانجام نرسید. بعد از آن نیز تجربه‌های متعددی همچون سریال، تله فیلم، کارگردانی و بازیگری تئاتر، طراحی صحنه، داوری، تدریس، برنامه تلویزیونی و... را از سر گذرانده‌ام. فیلم سینمایی «نیوکاسل» را نیز کارگردانی کردم که دو سال قبل اکران شد.

- نوجوانی را در مشهد سپری کرده‌اید. از نظر هنر نمایش، اوضاع آن سال‌های مشهد چطور بود؟

زمانی که من در مشهد بودم، به شکل حرفه‌ای تئاتر کار نمی‌کردم. البته علاقه زیادی به تئاتر داشتم، اما خیلی از خانواده‌ها در آن مقطع، یعنی دهه شصت، از فرزندان خود انتظار داشتند که در رشته‌های پزشکی و مهندسی تحصیل کنند. تئاتر در آن زمان برای من شناخته شده نبود. حتی جزوه هم در اختیار نداشتم. به خاطر دارم که روزهای متمادی را در کتابخانه حرم حضرت امام رضا (ع) جست‌وجو می‌کردیم تا

یکی دو کتاب مرتبط به دست بیاوریم. به سختی نمایشنامه‌ها را پیدای می‌کردیم. خوب به یاد دارم که وقتی، به طور اتفاقی، یک جزوه مرتبط با هنر را در مغازه‌ای حوالی سه‌راه راهنمایی پیدا کردم، از خوشحالی داشتم بال درمی‌آوردم؛ چون فهمیده بودم چه منبعی را باید برای دانشگاه امتحان بدهم. خود آن جزوه هم یک کپی ساده بود که یک نفر آن را از تهران آورده بود. دیگر منابع هم به همین شکل بودند. البته من در دبیرستان تئاتر کار می‌کردم که بخشی از آن به خاطر مدرسه خوب بود.

- کدام مدرسه؟

من دو سال پایانی دبیرستان را در دبیرستان فردوسی مشهد بودم که آن زمان هنوز دچار حریق نشده بود. سالن این مدرسه که بعدها بازسازی شد، بسیار بزرگ بود و امکان خوبی به ما می‌داد تا حداقل سالی یک تئاتر کار کنیم. آنجا دوستانی پیدا کردم که بسیار علاقه‌مند به هنر بودند که برخی از آن‌ها ادامه دادند.

- در سال‌های نوجوانی، از چه کسی تأثیر گرفتید؟

من در مشهد با تنها کسی که ارتباط داشتم، ابراهیم اصغرزاده بود؛ آن هم نه به شکل خیلی نزدیک و صمیمی. اما همدیگر را می‌شناختیم و با هم در یک سال در دانشگاه قبول شدیم و به تهران آمدم؛ بعدتر اما، در آن حادثه غم‌انگیز، او را از دست دادم. در آن زمان، مدرسه یا مسجد یا هر جای دیگری که امکان‌ش بود، برابم فرقی نمی‌کرد، در مشهد از هر فرصتی برای اجرای تئاتر استفاده می‌کردم. سال‌های تجربه‌اندوزی بود. در واقع، چیز خاصی بلد نبودم، اما علاقه داشتم. کمی قبل‌تر از آن، به یاد دارم وقتی سال اول راهنمایی در مدرسه محمدتقی شریعتی در خیابان نخریسی درس می‌خواندم، یک روز ناظم سراغ علاقه‌مندان به تئاتر را گرفت. من هم، بدون اینکه دلیلش را بدانم، دستم را بلند کردم و سرانجام یک تئاتری را اجرا کردیم که من نویسنده، کارگردان و بازیگرش بودم. در آن زمان سالن تئاتر نداشتم و میزهای پینگ‌پونگ را به هم می‌جسباندیم تا... درست کنیم.

- وبعد دانشگاه...

بله؛ مسیری بود که طی کردم. برای قبولی در دانشگاه، بیشتر دروس عمومی به کارم آمد. در مصاحبه هم خیلی صادقانه توضیح دادم که چیز زیادی نمی‌دانم، اما علاقه‌مند به یادگیری هستم. وقتی قبول شدم، تازه روند مطالعات و یادگیری‌های اساسی من شروع شد.

- چطور به «منصور» پیوستید؟

من کم‌بازیگری می‌کنم و استحضار دارید که در تمام این سال‌های اخیر به ندرت جلوی دوربین رفته‌ام. بیشتر مسیر خودم را دنبال می‌کنم. سال گذشته، زمانی که آقای مرادی (مسئول انتخاب و هدایت بازیگران در پروژه منصور)، فیلم‌نامه را برابم فرستاد، آن را مطالعه کردم و به نظر متن متفاوتی رسید؛ فیلم‌نامه‌ای که شعار ندارد و سادگی و صداقت ویژگی مهم آن است. صادقانه بگویم، سوسه شدم و بعد از آن، وقتی که با کارگردان صحبت کردم، به نگاه او علاقه‌مند شدم. تهیه‌کننده کار هم



قهرمان را به شکلی جذاب با هم مخاطب معرفی می‌کند. به نظر من، جذابیت شخصیت تیمسار ستاری به آرامش و وقار اوست.

- این آرامش خیلی در فیلم کار می‌کند؛ اما آیا دلان نمی‌خواست یکی دو بار فریادی بزنید یا چیزی بریزد دهید که بازی‌تان بیشتر دیده شود؟
- بازیگری به فریاد زدن نیست. در سکانس برخورد تیمسار ستاری باأمور دادگستری من چقدر فریاد می‌زدم که تأثیری در حد این آرامش داشته باشد؟ من فکر می‌کنم زمانی که شخصیت شهید ستاری می‌تواند با آرامش مجموعه سکانس برخورد کند، این تأثیر بیشتری دارد. مهم‌تر آنکه واکنش‌هایی که از تیمسار ستاری (بعد از آرامشش در همین سکانس) می‌بینید، فشاری که روی او بوده را برای مخاطب به تصویر می‌کشد. آنجاست که بیننده تازه التهاب درونی شخصیت را درک می‌کند.

- یعنی بازی درون‌گرایانه را ترجیح می‌دهید؟
- نمی‌شود این‌طور گفت. بحث سینماست و فکر می‌کنم بازیگری هم، مثل خیلی چیزهای دیگر، نباید دیده شود. بازیگر خوب بازیگری است که دیده نشود و در فیلم حل شود. همان‌طور که موسیقی خوب، طراحی صحنه خوب و... هم همین‌طور هستند.

- در همین سکانس، مخاطب تحت تأثیر قرار می‌گیرد. علت اصلی این میزان از اثرگذاری چیست؟
- مجموعه. زحمت همه عوامل که نمود آن از طریق بازیگر روی پرده دیده می‌شود. ما نیاز به قهرمان داریم تا جوان‌هایمان ببینند، جامعه‌مان سازنده‌تر شود و امید به آینده گسترش یابد. جامعه به این‌ها نیاز دارد. تماشاگر هم این موضوع را می‌فهمد و از آن استقبال می‌کند.
- احتمالا امروز به بعد خیلی‌ها شما را با چند سال قبل‌های حجازی فرمقایسه می‌کنند؛ بازیگر کمتر شناخته شده‌ای (در آن زمان) که با یک شاونفش از یک شخصیت واقعی (حاج‌احمد متوسلیان) به سینمای ایران معرفی شد. این مقایسه چقدر می‌تواند درست باشد؟
- هنوز نمی‌دانم چنین مقایسه‌ای چقدر

دیگر این هنر را اعتلا بخشیدند و قوام آوردند. تا امروز که

هنرمندان سرشناسی در این زمینه وجود دارند و هرکدام هم حرف‌هایی برای گفتن دارند. «کاظم خراسانی» یکی از آن هنرمندان درس‌خوانده و باسواد در این زمینه است.

او که مدرک کارشناسی ارشد و دکتری پژوهش هنر را از دانشگاه تهران گرفته است، تا کنون شاگردان بی‌شماری را در زمینه هنرهای تریسمی و خط تربیت کرده است. فهرست بلندبالای دانشگاه‌ها و ورک‌شاپ‌های او به همراه سمینارها و جلسات تفسیر هنر، نشان می‌دهد که سبی کرده است تا چیزهایی که آموخته و تجربه کرده را به نسل بعد از خودش منتقل کند. او در بیشتر از ۵۵ جشنواره مقام کسب کرده و فهرست افتخاراتش آن قدر طولانی است که در این چند خط نمی‌شود همه‌شان را شرح داد. این هنرمند تا کنون در بیشتر از ۱۵۰ نمایشگاه گروهی و ۱۶ نمایشگاه انفرادی، در ایران و کشورهای دیگر داشته است. این بار نمایشگاهی از آثارش در نگارخانه «سمرقند» برپا شد و ۲۱ بهمن ادامه داشت. کارهایی که از نظر فرم و معنی در یک سطح بودند. هر کجا لازم بوده است از رنگ‌ها به عنوان رساننده مفاهیم

تراسیمی، هیچ کدام به اندازه نقاشی خط این عنصر پنهان را آشکار نمی‌کند. نقاشی خط فرآیند تولید ادبیات روی بوم است. در این هنر فاصله بین ادبیات و نقاشی به عنوان دو

هنر مجزا برداشته می‌شود و مخاطب مستقیما به وسیله قلم‌موی نقاش، با توسل به مبانی نقاشی، با رنگ و فرم و ترکیب‌بندی، وارد دنیای شعر و قطعه ادبی می‌شود. به جرئت می‌گویم، نقاشی خط آدم را مسخ می‌کند و اشکالی را در ذهن پدید می‌آورد که چندین قدم از شعر و نقاشی جلوتر است. از آن زمان که «اسماعیل جلایر» کشف کرد که این دوهنر را می‌شود به هم آمیخت و «خطاشی» را با هراس امتحان کرد، زمان زیادی می‌گذرد. بعد از بزرگانی چون «محمد احصایی»، «رضا مافی»، «فرامرز پیلارام»، «حسین زندرودی»، «نصرا... افجه‌ای» و خیل بی‌شمار هنرمندان

یادداشتی بر نمایشگاه نقاشی خط کاظم خراسانی در نگارخانه سمرقند

همیشه پای شعر در میان است

امیرمنصور رحیمیان

هنرهای تجسمی پیش و کم‌همه به یک شکل درگیر ادبیات هستند. طراحی‌ها، مجسمه‌ها، نقاشی‌ها، عکس‌ها، فیلم‌ها و هر هنر دیگری در فهرست بلند بالای هنرهای تجسمی و ترسیمی، تهش به یک نوشته ختم می‌شوند. حتی مجسمه‌ها و نقاشی‌ها و مابقی هنرها که با سبک‌های عجیب و مدرنشان به ظاهر هیچ ربطی به ادبیات ندارند هم وقتی با دقت به فرآیند تولیدشان نگاه بیندازیم، رد پای ادبیات را می‌شود در آن‌ها دید. ادبیات با این قسم کارهای هنری، یک نوع رابطه درهم‌تنیده و جدانشدنی دارد. فرقی هم نمی‌کند که آن قطعه ادبی قبل از شروع کار نوشته شده باشد یا بعدش. فقط اسمش فرق می‌کند. به این صورت که اگر هنرمند قبل از شروع به کار آن قطعه ادبی، شعر،

